

رابطه الگوهای ارتباطی، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر

همایون هارون رشیدی^۱

کبری کاظمیان مقدم^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۰۸

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۴/۲۶

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه الگوهای ارتباطی، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر مقطع دوم متوسطه شهر اندیمشک بود. روش پژوهش همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر اندیمشک و نمونه پژوهش شامل ۳۱۳ نفر از این دانش‌آموزان بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرها از پرسشنامه‌های الگوهای ارتباطی خانواده (ریچی و فیتزپاتریک، ۱۹۹۸)، انعطاف‌پذیری خانواده (شاکری، ۱۳۸۲)، انسجام خانواده (سامانی، ۱۳۸۱) و جرأت‌ورزی (ریچی و گمبریل، ۱۹۶۶) استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین الگوهای ارتباطی، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/001$). هم‌چنین نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد الگوهای ارتباطی، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده ۶۲ درصد از واریانس جرأت‌ورزی را تبیین می‌کند. یافته‌های این پژوهش اهمیت الگوهای ارتباطی، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده را در میان دانش‌آموزان نشان می‌دهد. بنابراین طرح‌ریزی مطالعات بیشتر به منظور شناخت بهتر چنین عواملی در جهت ارتقای فرایند آموزش و تربیت دانش‌آموزان توصیه می‌شود. کلیدواژه‌ها: الگوهای ارتباطی، انعطاف‌پذیری، انسجام خانواده، جرأت‌ورزی.

۱ - استادیار گروه روانشناسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

haroon_rashid2003@yahoo.com

۲ - نویسنده مسئول: استادیار گروه روانشناسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

k.kazemian@yahoo.com

مقدمه

جرأت‌ورزی یا ابراز وجود^۱ یکی از مؤلفه‌های توانمندی اجتماعی است که به افراد کمک می‌کند تا بتوانند با دشواریهای زندگی روزمره مقابله کنند و با موقعیت‌های مسئله‌زا کنار آیند. جرأت‌ورزی به افراد کمک می‌کند تا آزادانه و صادقانه بدون اضطراب و نگرانی بی‌مورد در عین حفظ حقوق دیگران، عقاید، نیازها و حقوق خود را بیان کنند (اسکین^۲، ۲۰۰۳ به نقل از اسدی امیرآبادی، ۱۳۹۴). مرور ادبیات پژوهش این ویژگیها را در مورد جرأت‌ورزی نشان می‌دهد: ابراز عواطف بدون اضطراب، اجرای رفتارهای مخالفتی، صراحت لهجه، پذیرفتن تحسین و تمجید نسبت به خود، ابراز علاقه‌مندی، تأیید دیگران، بازداری از رفتار واکنشی، انتقادپذیری و انتقادگری، پافشاری بر خواسته‌های منطقی، مسئولیت‌پذیری، احترام متقابل، توجه به شأن انسانی مخاطب، خواستن حقوق بشر برای خود و دیگران و پرهیز از تعارف، مجامله و مدافنه (ولدی خرم، ۱۳۹۴). مشکلات همراه با جرأت‌ورزی در ابتدای تحول در دامنه‌ای از کمرویی بسیار شدید تا رفتار پرخاشگرانه بروز پیدا می‌کند و بعدها به شکل اختلال اضطراب اجتماعی یا اختلال شخصیت اجتنابی نمایان می‌شود. در واقع جرأت‌ورزی به عنوان یک سبک و راهبرد از پرخاشگری و انفعال متمایز شده است و بسیاری از پژوهشگران آن را در میانه پیوستاری قرار می‌دهند که سلطه‌پذیری (کمرویی و انفعال) و پرخاشگری (خشم و تکانه) به عنوان نقیصه‌های رفتاری در دو انتهای آن و جرأت‌ورزی به عنوان رفتاری معتدل در میانه آن قرار می‌گیرد (خزایی، ۱۳۹۳). پژوهشها نشان داده است که مهارتهای ابراز وجود با بسیاری از مفاهیم بهداشت روان ارتباط دارد؛ چرا که موجب تقویت اعتماد به نفس در افراد می‌شود و احساس شایستگی و تسلط را در آنها تقویت می‌کند (سنجاقی، ۱۳۹۳). جرأت‌ورزی تحت تأثیر منابع مختلفی در فرد شکل می‌گیرد که این منابع با خانواده و الگوهای ارتباطی در آن مرتبط است.

خانواده همواره به عنوان مهمترین سامانه انسانی مورد توجه بوده است. در نظریه سیستمی خانواده، رفتار هر فرد وابسته به کل سامانه خانواده و رفتار دیگر اعضا و عناصر توصیف شده است. در نتیجه مشکلات رفتاری فرد نیز ناشی از تعامل عناصری است که در خانواده یا محیط‌های دیگر اجتماعی در حالت تعادل قرار دارد؛ لذا فرایندهای درونی انسانها پدیده‌هایی کاملاً درونی نیست و تحت تأثیر عوامل بیرونی است که بر یکدیگر تأثیر متقابل دارد و سامانه‌ای که بیش از همه بر رفتار

1 - Assertiveness

2 - Eskien

فرد تأثیر دارد، خانواده است که هم رفتارهای سازشی و بهنجار و هم رفتارهای نابهنجار افراد را شکل می‌دهد (ثنایی و امینی، ۱۳۷۹). یکی از کسانی که با دیدی سیستمی خانواده را مورد بررسی قرار داده، اُلسون^۱ (۱۹۹۹ به نقل از رزمی، ۱۳۸۳) است. او بر همین مبنا الگویی مرکب از سامانه خانواده ارائه کرده که در واقع پل ارتباطی نظریه و عمل است. الگوی اُلسون، که بر سه بعد خانواده تمرکز دارد با انواع مختلف نظریه‌های خانواده و رویکردهای خانواده درمانی مرتبط است و نیز برای ارزیابی‌های کلینیکی، طرحهای درمانی و درمانهای مربوط به خانواده و زناشویی طراحی شده است. ابعادی که در الگوی السون بدان پرداخته شده شامل سه بُعد انسجام^۲ خانواده، انعطاف‌پذیری^۳ خانواده و ارتباطات^۴ در خانواده است. خانواده را سامانه‌ای قانونگذار تعریف می‌کنند که اعضای آن پیوسته در حال تعریف و بازنگری در تعریف ماهیت روابط خود بر مبنای الگوی ارتباطاتشان هستند (کشتکاران، ۱۳۸۷). شناخت این الگوها به شناخت بعضی از جنبه‌های عملکرد خانواده کمک می‌کند. در واقع، شناخت انواع مختلف الگوها و سبکهای ارتباطات خانوادگی علاوه بر توصیف به پیش‌بینی و توضیح عملکرد خانواده و توصیه‌ها و تجویزهای مربوط به آن هم کمک می‌کند. محققان سعی کرده‌اند الگوهای ارتباطی خانواده^۵ را بشناسند و طبقه‌بندی کنند. فیتزپاتریک و ریچی^۶ (۱۹۹۴) دو بعد زیربنایی جهتگیری گفت و شنود^۷ و جهتگیری همنوایی^۸ را در الگوهای ارتباطی خانواده شناسایی کردند. کوثرنر و فیتزپاتریک^۹ (۲۰۰۲) جهتگیری گفت و شنود را میزان تحقق شرایطی در خانواده می‌دانند که در آن، همه اعضای خانواده به شرکت آزادانه و راحت در تعامل و بحث و تبادل نظر دربارهٔ طیف وسیعی از موضوعات تشویق می‌شوند. جهتگیری همنوایی را نیز میزان تأکید بر همسانی نگرشها، ارزشها و عقاید اعضای خانواده تعریف می‌کنند (عبدالهی، ۱۳۹۴).

منظور از انسجام خانواده احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به هم دیگر دارند (عبدالهی، ۱۳۹۴). لینگرن^{۱۰} (۲۰۱۳) انسجام را احساس نزدیکی

- 1 - Olsen
- 2 - Cohesion
- 3 - Flexibility
- 4 - Communication
- 5 - Family communication pattern
- 6 - Fitzpatric & Ritchie
- 7 - Conversation
- 8 - Conformity
- 9 - Koerner & Fitzpatric
- 10 - Lingren

عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌کند. وقتی انسجام زیاد باشد، اعضای خانواده پیشرفت، شادی و رفاه یکدیگر را می‌خواهند و هرگاه یکی از اعضا، درگیر مشکلی شود، حاضرند برای رفع آن مشکل کار کنند (به نقل از ابراهیمی، ۱۳۹۴). بُعد دیگر انسجام از نظر لینگرن، وقت گذاشتن و با هم بودن اعضای خانواده است. خانواده‌هایی که در این زمینه قوی هستند. به طور مرتب برنامه‌ها و زمانهایی برای فعالیتهای گروهی در نظر می‌گیرند؛ این امر در حالی که ساده به نظر می‌رسد در عمل دشوار است؛ چون اعضای خانواده‌ها معمولاً اضافه وقتها^۱ را به همدیگر اختصاص می‌دهند و زمانی که اعضا مشغول کارهای مربوط به خودشان هستند یا خسته‌اند، مشکل است که بتوانند اوقات مفیدی را برای همدیگر صرف کنند (عبداللهی، ۱۳۹۴).

بررسی نقش تربیتی والدین از مباحث مهم در قلمرو علوم تربیتی و روانشناسی است؛ زیرا شخصیت و رفتار افراد هر چند در مراحل مختلف از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد، نقش والدین از مبانی و موارد اولیه تأثیرگذاری به شمار می‌رود. فیتزپاتریک و کوثرنر (۲۰۰۴)، به نقل از کشتکاران، (۱۳۸۸) بیان می‌کنند که الگوی ارتباطی خانواده با شایستگی اجتماعی کودکان رابطه دارد. هم‌چنین هانگ^۲ (۱۹۹۹)، به نقل از تجلی و لطیفیان، (۱۳۸۷) در پژوهشی پیامدهای الگوهای ارتباطی همچون عزت نفس و مطلوبیت اجتماعی را بررسی کرد و دریافت که بعد گفت و شنود، دارای پیامد مثبت و بعد همنوایی دارای پیامد منفی است. در همین راستا، کوثرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) در پژوهشی دریافتند که بعد گفت و شنود با عزت نفس و حمایت اجتماعی رابطه مثبت دارد. از سوی دیگر پژوهش کورش‌نیا (۱۳۸۶) حاکی از رابطه منفی عزت نفس با بعد همنوایی است. هم‌چنین پژوهشها از رابطه الگوهای ارتباطی با میزان شادی (جوکار و رحیمی، ۱۳۸۶)؛ کمال‌گرایی (جمشیدی، رزمی، حقیقت و سامانی، ۱۳۸۸)؛ کیفیت زندگی (رحیمی و خیر، ۱۳۸۸)؛ تاب‌آوری (کشتکاران، ۱۳۸۸)، همدلی و خویشن‌داری (رحیمی و یوسفی، ۱۳۸۹)؛ خود ادراکی (هارون رشیدی و عبده‌پور، ۱۳۹۰)؛ سبکهای مقابله‌ای (طاهری، قشقایی و هنرپروران، ۱۳۹۱)؛ قضاوت اخلاقی (هارون رشیدی، ۱۳۹۳) و اعتیاد به اینترنت (صالحی، شهریار و نوری، ۲۰۱۲) حکایت دارد.

علاوه بر این، پژوهشها نشان می‌دهد که انسجام خانوادگی با عزت نفس، مشکلات درونی و توجه کودکان، مشکلات رفتاری بیرونی نوجوان، ابراز وجود، سلامت روان و جسم، انطباق و

1 - left - over time
2 - Huang

سازگاری، عزت نفس، حل مسئله و خلاقیت رابطه معنی‌داری دارد و با اضطراب، تنش، افسردگی و نشانه‌های جسمانی فرزندان رابطه منفی دارد و تأثیر بسزایی بر میزان مشکلات عاطفی و رفتاری نوجوانان دارد. همچنین انسجام خانواده، پیشرفت مهارت‌های حل مسئله و خودکارآمدی اجتماعی کودکان و کمال‌گرایی و ابعاد آن را به صورت معنادار پیش‌بینی می‌کند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸). کاهش انسجام خانواده و افزایش تعارضات بین فردی می‌تواند به کاهش انعطاف‌پذیری خانواده منجر شود که می‌تواند همراه با مشکلاتی در تعاملات آنها گردد (دادرس، ۱۳۹۵). سبزیایی (۱۳۹۵) در پژوهشی دریافت که ابراز وجود با الگوی ارتباطی گفت و شنود رابطه مثبت معنادار، و با همنوایی رابطه منفی معنادار دارد. نتایج پژوهش او نشان داد که الگوهای ارتباطی خانواده از عوامل تأثیرگذار بر سلامت نوجوانان است. والدین با شیوه گفت و شنود، دارای فرزندان با جرأت‌مندی و عزت نفس زیاد هستند. جعفری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با سلامت روانی و خودپنداره در دانش‌آموزان دختر پرداخت. نتایج نشان داد الگوی همنوایی تهدیدی برای سلامت روانی است و می‌تواند به بروز ناهماهنگی در مؤلفه‌های خودپنداره منجر شود. فلدمن^۱ (۱۹۹۶)، به نقل از باباپور و بهاورنیا، (۱۳۹۱) در پژوهشی دریافت که انسجام کم در خانواده می‌تواند به افسردگی و پذیرش اجتماعی کاهش یافته منجر شود.

با الهام از مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده، الگوهای ارتباطی، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده تأثیرات شگرفی بر رشد و تحول فرزندان دارد. یکی از دوره‌هایی که به دلیل ویژگی‌های خاص خود تأثیرات والدینی را بیشتر آشکار می‌کند، دوره نوجوانی است. نوجوانی دوره رشد بی‌همتایی از زندگی است که فرد را در حالت گذار از کودکی به جوانی و بزرگسالی قرار می‌دهد. این تجربه با دوری از خانه برای اولین بار همراه است (عبده‌پور سبزیایی، ۱۳۹۴). برای بسیاری از نوجوانان امروز، این اتفاق با رفتن به دبیرستان روی می‌دهد. این تغییر، که در برخی موارد ناگهانی نیز هست تا حدودی اعضای خانواده را دچار بی‌ثباتی می‌کند. از آنجا که نوجوانی گذر از روابط وابسته پدر و مادر به روابط مستقل با آنها است، فرایند خانواده می‌تواند نقش وحدت بخشی را در کمک به نوجوان برای رویارویی با این چالش بزرگ ایفا کند. توجه به اهمیت سلامت روانی و ارتقای آن بین افراد جامعه به منظور پیشرفت توسعه و نیز بهبود

زندگی شخصی و اجتماعی افراد، پرداختن به این موضوع و عوامل مؤثر بر آن لازم و ضروری است. با توجه به این موارد، هدف پژوهش بررسی رابطه الگوهای ارتباطی، انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر مقطع تحصیلی متوسطه دوم شهر اندیمشک است.

روش

پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر مقطع تحصیلی متوسطه دوم شهر اندیمشک در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶، است. بر اساس آمار آموزش و پرورش شهرستان، تعداد جامعه برابر با ۱۷۰۰ نفر بود. برای برآورد دقیق حجم نمونه از جدول کرچسی و مورگان (۱۹۷۰) استفاده شد. بر این اساس، حجم نمونه برابر با ۳۱۳ نفر برآورد می‌شود. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود به این صورت که ابتدا فهرست کامل مدارس مقطع تحصیلی متوسطه دوم شهرستان اندیمشک از آموزش و پرورش گرفته شد و به روش قرعه سه مدرسه دخترانه، و از هر مدرسه سه کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. میانگین سنی گروه نمونه برابر با هفده سال و دو ماه بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد.

در پژوهش از چهار پرسشنامه استفاده شد که عبارت است از:

- پرسشنامه جرأت‌ورزی: این پرسشنامه ۴۰ سؤالی توسط گمبریل و ریچی^۱ (۱۹۶۶)، به نقل از غباری بناب و حجازی، (۱۳۸۶) ساخته شده است. برای محاسبه نمره آزمودنی در هر سه مقیاس، باید به هر سؤال سه بار پاسخ داده شود. البته از هر کدام این سه نمره می‌توان استفاده کرد. از این مقیاس می‌توان برای متمایز کردن مراجعان (قاطع)، (عمل‌کننده مضطرب) و (بی‌اعتنا) استفاده کرد. نمره‌های "ناراحتی از قاطعیت"، "احتمال پاسخ"، عبارت از جمع نمره‌های هر سؤال در ستون مربوط به آن است. برای هر سؤال، پنج گزینه (ابتدا، کمی، تا حدی، زیاد، خیلی زیاد) وجود دارد که به ترتیب به هر یک از آنها نمره‌های بین ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. نمره تشخیص شرایط برابر تعداد کل سؤالاتی است که دور آنها دایره کشیده شده است. هر چه نمره فرد کمتر باشد، نشان‌دهنده جرأت‌ورزی بیشتر فرد است. در پژوهش گمبریچ و ریچی پایایی آزمون به ترتیب با

همبستگی‌های بازآزمایی ۰/۸۷ و ۰/۸۱ برای نمره‌های "ناراحتی از قاطعیت" و نمره‌های "احتمال پاسخ" از ثبات بسیار خوبی برخوردار است. همسانی درونی این پرسشنامه در پژوهش حکمتی (۱۳۸۰)، به نقل از غباری بناب و حجازی، (۱۳۸۶) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۶ برای "ناراحتی از قاطعیت" و ۰/۸۳ برای "احتمال پاسخ" به دست آمده که ضریب زیادی است. غباری بناب و حجازی (۱۳۸۶) در پژوهش خود با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه را ۰/۸۸ گزارش کردند. در پژوهش رضاپور میرصالح و همکاران (۱۳۹۱) پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمده است. این در پژوهش پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بدست آمد.

- مقیاس الگوهای ارتباطی خانواده: در این پژوهش به منظور سنجش الگوهای ارتباطی خانواده از پرسشنامه بازنگری شده الگوهای ارتباطی خانواده ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۸) استفاده شد. این ابزار یک مقیاس خودسنجی است که درجهٔ موافقت یا عدم موافقت پاسخ دهنده را در دامنه‌ای پنج درجه‌ای دربارهٔ ۲۶ گزاره می‌سنجد که در زمینهٔ ارتباطات خانوادگی او هستند. نمره چهار معادل کاملاً موافقم و نمرهٔ صفر معادل کاملاً مخالفم است. این ابزار ابعاد گفت و شنود و همنوایی را می‌سنجد بدین صورت که ۱۵ گزارهٔ اول به بعد گفت و شنود و ۱۱ گزارهٔ بعد مربوط به بعد همنوایی است. نمرهٔ بیشتر در هر دو مقیاس به این معنا است که آزمودنی استنباط می‌کند در خانوادهٔ او جهتگیری گفت و شنود یا همنوایی بیشتری وجود دارد. کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) روایی محتوایی و سازه و پایایی (آلفای کرونباخ و بازآزمایی) این مقیاس را مطلوب گزارش کرده‌اند (کشتکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش کوروش‌نیا (۱۳۸۵) آلفای کرونباخ این مقیاس برای بعد گفت و شنود ۰/۸۷ و برای بعد همنوایی ۰/۸۱ بوده است. علاوه بر این پایایی به روش بازآزمایی و به فاصله یک هفته با نمونه ۳۱ نفری مورد سنجش قرار گرفت. نتایج محاسبه ضریب همبستگی در مورد جهتگیری گفت و شنود ۰/۸۸ و در مورد جهتگیری همنوایی ۰/۸۴ به دست آمد. به منظور تعیین روایی مقیاس از روش تحلیل عامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل، ارزش ویژه بیشتر از ۱ و شیب منحنی اسکری بود. نتایج مؤید وجود دو عامل بود. مقدار اندازه کفایت نمونه‌گیری کی. ام. او. برابر ۰/۹۰ و ضریب آزمون بارتلت نیز برابر با ۴۳۹۹/۵۴ گزارش شده است. در این پژوهش پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای بعد گفت و شنود ۰/۸۶ و برای بعد همنوایی ۰/۸۳ به دست آمد.

- مقیاس انسجام خانواده^۱: این مقیاس بر اساس مجموعه‌ای از متون موجود در باب همبستگی و با الهام از الگوی ترکیبی السون (۱۹۹۹) به وسیله سامانی (۱۳۸۱) ساخته شده است. این آزمون دارای ۲۸ سؤال است که گزینه‌ها به صورت طیف لیکرت طراحی شده است. به گزینه اول یعنی کاملاً موافقم نمره ۵ تعلق می‌گیرد و به ترتیب تا کاملاً مخالفم که نمره ۱ را در بر می‌گیرند. حداکثر نمره قابل اکتساب در این آزمون ۱۴۰ و حداقل ۲۸ بود. نمره بیشتر نشاندهنده انسجام بیشتر است. مطالعه مقدماتی رضویه و سامانی (۱۳۷۹) درباره این مقیاس حاکی از کفایت این مقیاس برای ارزیابی همبستگی فرد با والدین بود. ضریب آلفا با روش بازآزمایی ۰/۹۰ و پایایی برای کل مقیاس برابر ۰/۷۹ گزارش شده است (سامانی، ۱۳۸۱). ضریب آلفای کروناخ در پژوهش نیز ۰/۹۳ به دست آمد.

- مقیاس انعطاف‌پذیری خانواده^۲: این آزمون با الهام از الگوی ترکیبی السون (۱۹۹۹) درباره خانواده، به وسیله شاکری (۱۳۸۲)، ساخته شده است. آزمون شامل ۱۶ سؤال است و جواب سؤالات به صورت طیف لیکرت است که به شکل کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم، ارائه شده است و جوابها به ترتیب از ۵ تا ۱ نمره را در بر می‌گیرند. حداکثر نمره قابل اکتساب در این آزمون ۸۰ و حداقل ۱۶ بود که بیشترین و کمترین نمره‌های این آزمون به ترتیب، ۷۲ و ۳۰ بودند. نمره بیشتر نشاندهنده انعطاف‌پذیری بیشتر است. روایی و پایایی این مقیاس طی مطالعه‌ای درباره ۴۸ آزمودنی مورد تأیید قرار گرفته که ضریب همسانی درونی مقیاس با استفاده از آلفای کروناخ معادل ۰/۸۹ گزارش شده است، نتیجه تحلیل عاملی این مقیاس نیز، تنها یک عامل عمومی تحت عنوان انعطاف‌پذیری به دست داده است (شاکری، ۱۳۸۲). ضریب آلفای کروناخ در پژوهش ۰/۸۶ به دست آمده است.

1 - Family Cohesion Scale
2 - Family Flexibility Scale

یافته‌ها

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمره متغیرهای پژوهش

شاخصها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	تعداد
انسجام خانواده	۹۰/۱۸	۱۶/۵۴	۳۹	۱۲۱	۳۱۳
گفت و شنود	۳۴/۶۷	۸/۷۶	۱۵	۵۱	
همنوایی	۲۱/۸۹	۷/۳۸	۱۱	۳۹	
انعطاف‌پذیری	۴۵/۴۹	۸/۴۳	۱۶	۷۶	
جرأت‌ورزی	۱۳۸/۶۵	۱۸/۰۳	۶۶	۲۰۰	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار برای انسجام خانواده برابر با ۹۰/۱۸ و ۱۶/۵۴، برای گفت و شنود برابر با ۳۴/۶۷ و ۸/۷۶ و برای همنوایی برابر با ۲۱/۸۹ و ۷/۳۸، برای انعطاف‌پذیری خانواده ۴۵/۴۹ و ۸/۴۳ و برای جرأت‌ورزی برابر با ۱۳۸/۶۵ و ۱۸/۰۳ است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی الگوهای ارتباطی، انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با جرأت‌ورزی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	شاخصهای آماری	
		ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
جرأت‌ورزی	گفت و شنود	۰/۶۸	۰/۰۰۱
	همنوایی	-۰/۱۲	۰/۰۳۵
	انسجام خانواده	۰/۴۷	۰/۰۰۱
	انعطاف‌پذیری	۰/۴۳	۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بین الگوهای ارتباطی گفت و شنود، انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۰۱ وجود دارد؛ به عبارت دیگر افزایش نمره الگوی ارتباطی گفت و شنود و انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با افزایش نمره جرأت‌ورزی همراه است و برعکس. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد بین الگوهای ارتباطی همنوایی با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان رابطه منفی و معناداری در سطح ۰/۰۰۱ وجود دارد؛ به عبارت دیگر افزایش نمره همنوایی با کاهش نمره جرأت‌ورزی همراه است و برعکس.

جدول ۳: ضرایب همبستگی چندگانه بین الگوهای ارتباطی، انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با جرأت‌ورزی به روش رگرسیون همزمان

P	T	Beta	B	R ²	R	ملاک	
						پیش بین	جرأت‌ورزی
۰/۰۰۱	۱۰/۲۹	۰/۴۸۲	۰/۲۹۵	۰/۶۲	۰/۷۹	گفت و شنود	جرأت‌ورزی
۰/۱۷۱	۱/۳۷	-۰/۰۵۶	-۰/۰۴۷			همنوایی	
۰/۰۰۱	۸/۴۲	۰/۳۸۱	۰/۱۲۰			انسجام خانواده	
۰/۰۱۸	۲/۳۷	۰/۰۹۷	۰/۱۱۱			انعطاف‌پذیری	

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه نشان می‌دهد که الگوی ارتباطی، انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده ۶۲ درصد از رابطه را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان‌دهنده رابطه مثبت بین الگوی ارتباطی گفت و شنود، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان بود در حالی که بین بعد همنوایی با جرأت‌ورزی رابطه منفی وجود داشت. این یافته‌ها با نتایج سبزقبایی (۱۳۹۵)، جعفری (۱۳۹۵)، رشیدی (۱۳۹۵)، خرمایی و زارع، (۱۳۹۵)، علیایی، بابایی و احمدی (۲۰۱۱) و گون^۱ (۲۰۱۰) هماهنگ و همسو است. این پژوهشگران مشاهده کردند افرادی که با اعضای خانواده خود رابطه و تعاملات باز و خوبی داشتند، جرأت و جسارت بیشتری دارند و هم‌چنین چگونگی ارتباطات و تعاملات اعضای خانواده و عملکرد و شیوه‌های والدگری می‌تواند مهارت اجتماعی و جرأت‌ورزی فرزندان را پیش‌بینی کند. در توضیح این یافته می‌توان این‌گونه اظهار کرد که در واقع، دانش‌آموزان بر حسب تعامل خود با والدین، دارای قدرت ابراز وجود متفاوتی هستند به طوری که دانش‌آموزانی که در جوّ خانوادگی با گفت و شنود خوب زندگی می‌کنند از سطح بالای ابراز وجود برخوردارند؛ اما دانش‌آموزان با جوّ خانوادگی همنوایی زیاد، افرادی هستند که ابراز وجود کمتری دارند. علت این امر حاکی است که در خانواده‌های با همنوایی زیاد، والدین مستبد و کنترل‌کننده هستند. آنها تأکید دارند که فرزندان‌شان باید از تعارض و مقابله با جمع پرهیز کنند؛ در بحثها تسلیم آنها شوند؛ به بزرگترها احترام بگذرند و به طور کلی جلوی مسائل بین فردی را بگیرند (هوآنگ^۲، ۲۰۱۰).

1 - Guven
2 - Huang

تعاملات در خانواده‌های با هم‌نوايي زياد، بر پرهيز از تعارض و وابستگي متقابل خانواده به هم تكيه دارد. ارتباطات بين دو نسل در اين خانواده‌ها منعكس‌كننده حرف شنوي از والدين و ديگر بزرگسالان است. در اين خانواده‌ها از فرزندان انتظار مي‌رود تا مطابق با ميل والدينشان عمل كنند (ژوهاس^۱، ۲۰۱۰). در نتيجه فرزندان اين گونه خانواده‌ها ياد مي‌گيرند كه از منابع قدرت پيروي، و از بحث و ابراز عقیده در مورد مسائل مختلف جلوگيري كنند كه همين مسئله باعث کاهش توانايي آنها در بروز رفتار جرأت‌مندانه در تعاملات اجتماعي مي‌شود. برعكس در خانواده‌هايي با بُعد گفت و شنود زياد، به علت باز و خودانگيخته بودن ارتباطات، بحثهاي گسترده و در زمينه موضوعات مختلف صورت مي‌گيرد (روس^۲، ۲۰۰۹). والدين به در نظر گرفتن همه جوانب يك مطلب قبل از تصميم گيري، بيان آشكار عقايد و حتي به چالش كشيدن ديدگاه‌هاي يكدیگر تأكيد دارند. در نتيجه، فرزندان چنين خانواده‌هايي داراي مهارت‌هاي اجتماعي، قدرت حل مسئله و توانايي رهبري و قدرت ابراز وجود زيادي هستند (اتكينسون^۳، ۲۰۱۸). چنين توانايي مي‌تواند ياريگر فرزندان در ابعاد ديگر زندگي اجتماعي باشد و زمينه‌هاي موفقيت آنها را در جامعه فراهم سازد. در راستاي تحقق اين اتفاق مهم دور از انتظار نيست كه جامعه‌اي كه افراد آن از مهارت ابراز وجود مطلوب برخوردارند، مي‌توانند احساسات واقعي خود را صادقانه و مستقيم ابراز كنند و با توجه كردن به حقوق ديگران به دنبال احقاق حق خود باشند و در مقابل انواع مشكلات و مسائل زندگي، فشارهاي رواني، تهديدات و حوادث ناگوار مقاومتر و پايدارتر خواهند بود (نيسي و شهني بيلاق، ۱۳۸۰).

هم چنين مي‌توان گفت كه به نظر مي‌رسد افراد با جرأت‌ورزي زياد بيشتر به خانواده‌هايي متعلق هستند كه گفت و شنود، انعطاف‌پذيري و انسجام خانواده در آنها به ميزان زياد وجود دارد. ارتباط باز و تعاملات در خانواده و بها دادن به تصميم‌گيري در بعد گفت و شنود باعث افزايش جرأت‌ورزي مي‌شود. از سوي ديگر از آنجا كه در اين نوع خانواده‌ها، احتمالاً والدين در برابر موفقيت‌هاي فرزندان خود تشويق بيشتر معمول مي‌دارند، مطالب و فرصتها و تجربه‌هاي غني‌تر در اختيار آنها قرار مي‌دهند و تعاملات كلامي و عاطفي مناسب‌تر با فرزندان برقرار مي‌سازند؛ لذا دور از انتظار نيست كه فرزندانشان نسبت به فرزندان ديگر خانواده‌ها، جرأت‌ورزي بيشتر داشته

باشند. از سوی دیگر، جهتگیری همנוایی به این معنا است که ارتباطات خانواده تا چه حد بر همسان بودن نگرشها، ارزشها و عقاید، پرهیز از تعارض و وابستگی متقابل اعضای خانواده با یکدیگر تأکید دارند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴، به نقل از هارون رشیدی، ۱۳۹۳). این نوع ارتباطات با ویژگیهای بارز دوره نوجوانی از جمله استقلال طلبی، مخالفت جویی و افزایش تعارضهای والد فرزندی مغایرت دارد. بنابراین، اختلاف نظر و تعارض با والدین، می تواند مشکلات روانشناختی را به فرد تحمیل کند. در این خانواده ها ارتباطات بین دو نسل نشاندهنده حرف شنوی از والدین و دیگر بزرگسالان است. از والدین انتظار می رود تا برای خانواده تصمیم گیری کنند و از فرزندان انتظار می رود تا مطابق با خواسته های والدین خود رفتار کنند. در این وضعیت نوجوان، علاوه بر اینکه استقلال و جرات ورزی خود را از دست می دهد در معرض ابتلا به مشکلات روانی و سازگاری نیز قرار می گیرد.

بر اساس رویکرد طرحواره های بالدوین (۱۹۹۲، به نقل از خرماپی و زارع، ۱۳۹۵) استنباط می شود که دانش اجتماعی محصول تجربه های ارتباطی در روابط قبلاً تجربه شده است و این در حالی است که چشم انداز ارتباطات خانواده بر این فرض استوار است که خانواده های افراد، منبع اولیه ای برای طرحواره های ارتباطی آنها ارائه می کنند. بنابراین یافته های پژوهش بر مبنای این نکات بیان کننده این است که روشهایی که در آن اعضای خانواده به طور مرتب در ارتباط با هم و در تعامل با یکدیگر هستند بر محتویات طرحواره های ارتباطی افراد اثر می گذارد و این نیز به نوبه خود بر چگونگی آموختن رفتار کردن به عنوان کنشگران اجتماعی بر افراد اثر می گذارد؛ پس فضای ارتباطات خانواده زمینه شکل گیری و بروز این شیوه از رفتار را از طریق تعاملات و الگوهای ارتباطی خود بر پایه جهتگیری گفت و شنود بیشتر و جهتگیری همنوایی کمتر فراهم می کند. در تبیین دیگر ارتباط مثبت مؤلفه گفت و شنود خانواده با جرأت ورزی و ارتباط منفی همنوایی خانواده با جرأت ورزی باید به تفاوت و ساختار هر کدام از جهتگیریهای خانواده اشاره کرد. جهتگیری گفت و شنود به معنای این است که خانواده ها تا چه میزان زمینه هایی را ایجاد می کنند که در آن افراد خانواده به شرکت آزادانه در تعامل، بحث و تبادل نظر در مورد حیطه گسترده ای از موضوعات ترغیب شوند. ویژگی بارز خانواده های با گفت و شنود زیاد داشتن روابط گرم، صمیمی و آزادی در بیان احساسات و مشورت با همدیگر است (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). در خانواده با جهتگیری گفت و شنود، افراد به خواسته ها و نیازهای یکدیگر تأکید و توجه می کنند. بر این اساس فرزندان در این خانواده ها احساس می کنند مورد پذیرش

خانواده‌اند و به دلیل فراهم بودن فضای تعامل و گفت‌وگو آنها توانایی انطباق، ابراز وجود، سازگاری، تاب‌آوری و عملکرد مناسب‌تری را دارا هستند (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). بنابراین می‌آموزند که به دور از هر گونه تنش در روابط بین فردی به احقاق حق پردازند و بیان احساس و فکر کنند و به طور سازگارانه‌ای به دنبال برآورده کردن نیازها و خواسته‌های خود باشند؛ پس می‌توان انتظار داشت که گفت و شنود خانواده جرأت‌ورزی را پیش‌بینی کند.

درباره ارتباط منفی بین هم‌نوایی خانواده و جرأت‌ورزی می‌توان این‌گونه استدلال کرد که بنا بر مبانی نظری الگوهای ارتباطی خانواده جهت‌گیری هم‌نوایی بدین معناست که ارتباطات در این گونه خانواده‌ها بر همسان بودن نگرشها، عقاید و پرهیز از تعارض و وابستگی اعضای خانواده با یکدیگر تأکید دارد و عدم پذیرش استقلال‌طلبی افراد را در پی دارد (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴). در نتیجه این‌گونه ادراک از خانواده به پرهیز فرزندان و اعضای خانواده از ارتباطات باز و حفظ سلسله مراتب قدرت در خانواده و هم‌رنگی با آنها منجر می‌شود (نخعی و همکاران، ۲۰۱۷) که این مسئله نیز به نوبه خود باعث می‌شود که این افراد در تعاملات و ارتباطات خود با دیگران یا محتاطانه و ناسازگارانه و یا کاملاً منفعلانه رفتار کنند. در واقع خانواده‌هایی که بر اطاعت از والدین، تعامل بسته و هم‌نوایی عقاید و نگرش تأکید دارند، باعث می‌شوند که فرزندان کمتر توانایی ابراز عواطف و احساسات و افکارشان را به شیوه‌ای منطقی‌تر و سازگارانه‌تر بدون هیچ‌گونه ایجاد تنش و تهدید و بی‌احترامی داشته باشند. بنابراین رابطه منفی این دو متغیر توجیه‌پذیر و منطقی خواهد بود.

هم‌چنین با توجه به نتایج می‌توان گفت که تعاملات و روابط بین اعضای خانواده و سبک‌های تربیتی مورد نظر خانواده و تعاملات اجتماعی با دیگران نقشی قابل توجه در تأمین سلامت روان کودکان و نوجوانان دارد. فرزندان خانواده‌های منسجم گرمی روابط و عواطف و عشق و علاقه موجود و احساس مسئولیت و تعهد اعضا را به یکدیگر حس می‌کنند و حفظ این روابط موجب سلامتی و ابراز وجود بیشتر می‌شود که در نهایت به تربیت فرزندان سالم و به دور از مشکل منجر می‌شود (زرگر و همکاران، ۱۳۹۱). گرمی روابط و عواطف و هم‌چنین پیوند و تعهد عاطفی بین اعضای خانواده، که از ویژگی‌های اصلی خانواده‌های منسجم به شمار می‌رود در فرزندان آنها احساس را به وجود می‌آورد که مورد پذیرش والدین هستند و والدین نسبت به خواسته‌های آنها حساس و مسئول هستند. این مسئله باعث ایجاد آرامش و عدم احساس اضطراب در فرزندان آنها می‌شود در نتیجه فرزندان چنین خانواده‌هایی ویژگی‌هایی نظیر رفتارهای انطباقی و سازگارانه،

کارآمدی تحصیلی، توانایی ابراز وجود، روابط مؤثر و رفتار طبق هنجارهای اجتماعی، افزایش عزت نفس و در نتیجه کاهش اضطراب، تنش و ناامیدی دارند (عبداللهی، ۱۳۹۴).

علاوه بر این می‌توان گفت خانواده به عنوان اولین نهادی که کودک تعلیم و تربیت را در آن تجربه می‌کند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرچه هماهنگی والدین در چگونگی مدیریت خانواده و تجانس عاطفی بیشتر باشد و نیازهای اساسی احساس ارزشمندی، احساس امنیت فیزیکی، صمیمیت و وابستگی، احساس مسئولیت، نیاز به شادی و تأیید و تصدیق و در نهایت انسجام اعضای خانواده بیشتر باشد، امکانات رشد اعضای خانواده فراهم، و زمینه کاهش تعارض و افزایش صمیمیت همراه با احترام فراهم می‌شود و تحقق می‌یابد (رزمی، ۱۳۸۳). در واقع انعطاف‌ناپذیری خانواده در الگوی تربیتی والدین، فرهنگ خانوادگی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده و جامعه و ویژگیهای روانشناختی والدین ریشه دارد؛ برای مثال خانواده‌ای که تصور تحقیرآمیزی نسبت به فرزندان خود دارند؛ اجازه پیشرفت را به آنها نمی‌دهند و از آنها برای تجربه موقعیت‌های بیشتر حمایت نمی‌کنند. از سویی خانواده‌های نامنعطف در برخورد با مشکلات شیوه‌های سنتی، پیش پا افتاده و گاه قدرت‌طلبانه را در پیش می‌گیرند که در بسیاری از موارد باعث حذف مسئله می‌شود تا حل مسئله. این چنین خانواده‌هایی برای حفظ امنیت روانی خود همواره به الگوهای پایداری از زندگی متوسل می‌شوند و این چنین زندگی خود را در فرزندان خود تکرار می‌کنند؛ یعنی تحولات زندگی هر انسان در خانواده‌های غیر منعطف از پیش مشخص است. عدم انعطاف‌پذیری در خانواده‌ها به تأثیرات زیانبار زیادی منجر می‌شود که گاه جبران‌ناپذیر است (دادرس، ۱۳۹۵).

یافته‌های این پژوهش می‌تواند اطلاعات مهمی را برای والدین داشته باشد. این یافته‌ها بیانگر این است که هر چه محیط خانواده بیشتر زمینه گفت‌وگوی راحت را درباره طیف وسیعی از موضوعات فراهم آورد و برای در میان گذاشتن افکار و احساسات اعضای خانواده وقت بگذارد و اعضا را به همفکری تشویق کند، احتمال اینکه فرزندان آنها بتوانند دید خود را نسبت به خودشان تغییر دهند؛ اعتماد به خود را تقویت کنند و قاطعیت را در روابط بین فردی بهبود بخشند، بیشتر است و چون جرأت‌ورزی از ویژگیهای سلامت روان است، باید برای این ارتباط آزاد و تعامل باز سرمایه‌گذاری کرد تا کودکانی را با بهزیستی روانی تربیت کرد.

هم‌چنین در پژوهش تلاش شد که با اتکا بر ادبیات پژوهشی، گامی در جهت تبیین جرأت‌ورزی و ابعاد الگوهای ارتباطی، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده برداشته شود. توجه به

جنبه‌های نظری و کاربردی پژوهش نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این راستا یافته‌های این پژوهش اطلاعات مهمی هم برای والدین و هم برای محیط آموزشی (مدرسه) در بر دارد. این یافته‌ها بیانگر این است که هر چه محیط خانواده زمینه ایجاد ارتباطات باز و گسترده، ترغیب به ابراز احساسات و عقاید، و توجه و پذیرش عقاید را فراهم کند به ارتباط جرات‌ورزانه در افراد کمک خواهد کرد.

این پژوهش رویکرد همبستگی دارد. طبیعتاً در پژوهش‌های همبستگی با تمام تلاشی که پژوهشگران در جهت کنترل متغیرهای مزاحم و مداخله‌گر انجام می‌دهند، باز هم نمی‌توان برداشت روابط علی از یافته‌های همبستگی بین متغیرها داشت. از دیگر محدودیتهای این مطالعه می‌توان به این نکته اشاره کرد که پژوهش فقط در مورد نمونه‌ای از دانش‌آموزان در شهر اندیمشک انجام شده است؛ لذا در تعمیم نتایج آن به دانش‌آموزان دیگر شهرهای کشور باید احتیاط کرد.

با توجه به نتایج، عملکرد خانواده تأثیرات مختلفی بر جرات‌ورزی دارد. بنابراین توصیه می‌شود به عنوان یک راهبرد پیشگیرانه و ارتقای بخش سلامت روانی در برنامه‌های بهداشت روانی برای تمامی زنان و مردان بویژه کسانی که در آستانه ازدواج هستند، آموزش فرایندهای خانواده در نظر گرفته شود تا والدین با آگاهی و استفاده از الگوهای مناسب ارتباطی (مانند گفت و شنود، انسجام و انعطاف‌پذیری) بتوانند هم در ارتقای سلامت روانی فرزندان خویش و هم در پیشگیری از اختلالات روانی در آنها موفق باشند.

پیشنهاد می‌شود که از طریق سخنرانی برای والدین تأثیر منفی استبداد یا آسانگیر بودن آنها بر فرزندان و تأثیر مثبت دموکراتیک بودن آنها مورد تأکید قرار گیرد و طی کارگاه‌های آموزشی، والدین برای دموکراتیک عمل کردن تحت آموزش قرار داده شوند. چنین به نظر می‌رسد نوجوانان و جوانان در خانواده‌هایی با سبک فرزندپروری مقتدرانه متکی به خود، آرام و امیدوار هستند و هویت شخصی آنها آسیب نمی‌بیند. هم‌چنین به نظر می‌رسد این شیوه با دل‌بستگی بیشتر به والدین بویژه در دوران کودکی و احساس رضایت بیشتر از زندگی همراه است و زمینه را برای احساس ارزشمندی و عزت نفس بیشتر نوجوان و در نتیجه وضعیت بهداشت روانی مطلوبتر فراهم می‌سازد. در صورتی که برخوردهای مستبدانه با فرزندان می‌تواند با تأثیرات نامطلوب هیجانی و اعتماد به نفس کم، زمینه بروز اختلالات و آشفتگی‌های روانی را فراهم سازد.

یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که هر چه محیط خانواده بیشتر زمینه گفت‌وگوی

راحت را درباره طیف وسیعی از موضوعات فراهم آورد و برای در میان گذاشتن افکار و احساسات اعضای خانواده وقت بگذارد، فرزندان از جرأت‌ورزی بیشتری برخوردارند. سرانجام با توجه به اهمیتی که جرأت‌ورزی در زندگی روزمره افراد دارد، پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آینده به مطالعه بیشتر عوامل اثرگذار بر آن و نیز پیامدهای این سازه در زندگی دانش‌آموزان و دیگر گروه‌های جامعه پرداخته شود.

منابع

- ابراهیمی، محمدکریم (۱۳۹۴). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و شیوه‌های فرزندپروری با خود ادراکی دانش‌آموزان مقطع اول متوسطه شهرستان دزفول. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد اهواز.
- اسدی امیرآبادی، صادق (۱۳۹۴). اثربخشی بازی درمانی شناختی رفتاری بر افزایش جرأت‌ورزی و کاهش کمرویی دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد اهواز.
- باباپور، خیرالدین؛ بهاورنیا، الناز (۱۳۹۱). مقایسه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده‌های دارای عضو بیمار مبتلا به ایدز با خانواده‌های جمعیت عمومی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. س ۳. ش ۱۱: ۶۰ - ۴۴.
- تجلی، فاطمه؛ لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۷). تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان نوجوانان. فصلنامه خانواده‌پژوهی. س ۱۶. ش ۴: ۴۲۲ - ۴۰۷.
- ثناپی، باقر؛ امینی، فریده (۱۳۷۹). مقایسه عملکرد خانواده در دو گروه دانش‌آموزان دختر مستقل و وابسته به دیگران. مجله تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره. س ۲. ش ۷ و ۸: ۲۹ - ۹.
- جعفری، ساناز (۱۳۹۵). رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با خودپنداره و جرأت‌ورزی دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد اهواز.
- جمشیدی، بهنام؛ رزمی، محمدرضا؛ حقیقت، شهربانو؛ سامانی، سیامک (۱۳۸۸). رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با ابعاد کمال‌گرایی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی. س ۱۴. ش ۲: ۲۰۵ - ۱۹۹.
- جوکار، بهرام؛ رحیمی، مهدی (۱۳۸۶). تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. س ۱۳. ش ۴: ۳۸۴ - ۳۷۶.
- خرمایی، فرهاد؛ زارع، معصومه (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطات استادان/ خانواده و جرأت‌ورزی در دانشجویان واسطه‌گری تنظیم هیجان. مجله مطالعات آموزش و یادگیری. دوره هشتم. ش ۲: ۹۱ - ۶۸.
- خزایی، فاطمه (۱۳۹۳). مقایسه میزان خودکارآمدی، عزت نفس، اضطراب اجتماعی، کمرویی و پرخاشگری در دانش‌آموزان دبیرستانی با سطوح جرأت‌ورزی متفاوت. دو ماهنامه علمی - پژوهشی فیض. س ۱۸. ش ۳: ۲۲۹ - ۲۳۸.

- دادرش، معصومه (۱۳۹۵). رابطه الگوهای ارتباطی، انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان با واسطه‌گری نستوهی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد ساوه.
- رحیمی، مهدی؛ خیر، محمد (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با کیفیت زندگی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر شیراز. *مطالعات تربیتی و روانشناسی*. س ۱۰. ش ۱: ۲۵ - ۵.
- رحیمی، مهدی؛ یوسفی، فریده (۱۳۸۹). نقش الگوهای ارتباطی خانواده در همدلی و خویش‌نشدن فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. س ۶. ش ۲۴: ۴۴۷ - ۴۳۷.
- رزمی، محمدرضا (۱۳۸۳). بررسی تأثیر انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت در نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی. دانشگاه شیراز.
- رشیدی، محسن (۱۳۹۵). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی با کمرویی دانش‌آموزان دختر شهر دزفول. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول.
- رضاپور میرصالح، یاسر؛ ابوترابی کاشانی، پریسا؛ ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت‌های ابراز وجود در افزایش جرات‌ورزی و عزت نفس دانش‌آموزان کم‌جرات دختر پایه سوم تا پنجم ابتدایی شهر تهران. *مجله روانشناسی بالینی و شخصیت*. ش ۷: ۹۰ - ۷۷.
- رضویه، اصغر؛ سامانی، سیامک (۱۳۷۹). رابطه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی. *مجله پژوهش در سلامت روانشناختی*. ش ۱: ۳۷ - ۳۰.
- زرگر، یداله؛ محمدی بهرام‌آبادی، رضیه؛ بساک‌نژاد، سودابه (۱۳۹۱). بررسی فرایندهای خانواده به عنوان پیش‌بینی‌های مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان‌های شهر یاسوج. *مجله روانشناسی مدرسه*. س ۱. ش ۲: ۱۰۳ - ۷۷.
- سامانی، سیامک (۱۳۸۱). الگوی علمی برای همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری. پایان‌نامه دکتری رشته روانشناسی تربیتی. دانشگاه شیراز.
- سبزیبایی، مریم (۱۳۹۵). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با جرات‌ورزی دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی در رشته مشاوره و راهنمایی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد دزفول.
- سنجاقی، شهین (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش خودکارآمدی بر کیفیت زندگی معلولین جسمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد ارومیه.
- شاکری، ایرج (۱۳۸۲). بررسی تأثیر میزان انعطاف‌پذیری خانواده بر بهداشت روانی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی. دانشگاه شیراز.
- طاهری، رؤیا؛ زندی قشقایی، کرامت‌اله؛ هنرپرور، نازنین (۱۳۹۱). رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و متغیر خود‌پنداره با سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان دختر و پسر مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز. *مجله علمی - پژوهشی ارمغان دانش دانشگاه علوم پزشکی یاسوج*. س ۱۷. ش ۴: ۳۶۹ - ۳۵۹.

- عبدالهی، لیلا (۱۳۹۴). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با درماندگی روانشناختی مادران کودکان استثنایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد اهواز.
- عبدپور سبزیبایی، الهام (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش حل مسئله بر جرأت‌ورزی و خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر شهر دزفول. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد ایلام.
- غباری بناب، باقر؛ حجازی، مسعود (۱۳۸۶). رابطه جرأت‌ورزی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. فصلنامه علمی - پژوهشی کودکان استثنایی. س ۷. ش ۳: ۳۱۶ - ۲۹۹.
- کشتکاران، طاهره (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی با تاب‌آوری دانشجویان. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. س ۱۱. ش ۳۹: ۸۸ - ۶۹.
- کوروش‌نیا، مریم (۱۳۸۵). بررسی تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر میزان سازگاری روانی فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی. دانشگاه شیراز.
- کوروش‌نیا، مریم؛ لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده. فصلنامه خانواده پژوهی. س ۳. ش ۱۲: ۸۷۵ - ۸۵۵.
- نیسی، عبدالکاسم؛ شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۸۰). تأثیر آموزش ابراز وجود بر ابراز وجود، عزت نفس، اضطراب اجتماعی و بهداشت روانی دانش‌آموزان پسر مضطرب اجتماعی دبیرستان‌های شهرستان اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره سوم. س ۸. ش ۴ و ۲.
- هارون رشیدی، همایون (۱۳۹۳). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان تیزهوش. نخستین کنفرانس ملی علوم تربیتی و روانشناسی. مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران.
- هارون رشیدی، همایون؛ عبده‌پور، الهام (۱۳۹۰). تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر خود ادراکی فرزندان. نخستین همایش خانواده و مهارتهای زندگی. دانشگاه رازی. کرمانشاه.
- ولدی‌خرم، سلیمانی (۱۳۹۴). اثربخشی مهارتهای زندگی بر افزایش جرأت‌ورزی و کاهش کمروبی دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد اهواز.

- Alayi, Z., Babaei, Z. K. A. & AhmadiGatab, T. (2011). Parenting style and self-assertiveness: effects of a training program on self-assertiveness of Iranian high school girls. *Social and Behavioral Sciences*, 30, 1945-1950. Iran.
- Atkinson. J. (2018). Investigating the Relationships between Family Communication Patterns, Academic Resilience, and Students' Classroom Communication Behaviors. Dissertation submitted to the Eberly College of Arts and Sciences at West Virginia University in partial fulfillment of the requirement for the degree of Doctor of Philosophy in Communication Studies.
- Fitzpatrick MA. & Rithchie LD. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research*, 20, 275-301.
- Fitzpatrick, M. A. (2004). The family communication patterns theory: Observations on Its development and application. *The Journal of Family Communication*, 4, 167-179.

- Guven, M. (2010). An analysis of the vocational education undergraduate students' levels of assertiveness and problem-solving skills. *Innovation and Creativity in Education*, Volume 2, Issue 2, Pages 2064–2070. Ankara, Turkey.
- Huang, Y. (2010). Family communication patterns, communication apprehension and soci-communicative orientative orientation. *A Study of Chinese Students*, 10, 121-135.
- Juhasz, M. (2010). Influence of personality on Teamwork behavior and communication. *Social and Management Sciences*, 18, 2, 63-77.
- Kerjcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research. *Activities, Educational and Pasychological Measurments*, 30.
- Koerner, A.F. & Fitzpatrick, M. A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: the roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication yearbook*, 28: 36- 68.
- Nakhaee, S. Vagharseyyedin, A. Afkar, A. & Salmani Mood, M. (2017). The Relationship of Family Communication Pattern with Adolescents' Assertiveness. *Modern Care Journal*. 14, (4),28-35.
- Olson, D.H. (1999). Circumplex Model Of Marital & Family Systems'', *Journal Of Family Therapy.*, Vol. 22: 144-167
- Rithchie, L. D. & Fitzpatrick, M. A. (1998). The family communication patterns theory: Observations on its development and application. *Journal of Family Communication*, 4, 167-179.
- Ross, W. (2010). Intergenerational Family Communication Patterns in relation to Religious Motivation. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Communication, The Northern Kentucky University.
- Salehi M., Shahryari M & Norei R. (2012). The relationship between family communication patterns and internet addiction, *International Journal of Psychology and Behavioral Research*. 1 (1): 27-31.